

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه مباحث گذشته

بحث در جمع و استفاد از چهار روایتی است که در مسئله وجود دارد. یک روایت صحیح حلی بود که به صورت مطلق می‌فرماید: اگر شخصی به جای نماز قصر، نماز را تمام خواند باید اعاده نماید.

روایت دیگر روایت ابو بصیر است که مورد آن نسیان می‌باشد و در نتیجه صحیح حلی را تقیید می‌زند به این بیان که اگر در وقت برای ناسی کشف خلاف شد باید اعاده نماید اما در خارج وقت قضا لازم نیست.

مورد روایت عیص بن القاسم به قرینه روایت ابو بصیر انصراف به ناسی دارد. مورد روایت زراره و محمد بن مسلم نیز راجع به عالم و جاهل است.

طبق این بیان محصل از روایات مشخص است به این بیان که روایت زراره می‌گوید: عالم باید مطلقاً اعاده نماید. اما در مورد جاهل مقصود جاهل به اصل حکم است چرا که محور و متعلق علم و جهل در روایت آیه تقصیر است و آیه مذکور نظری به خصوصیات نداشته و تنها اصل تقصیر در سفر را مطرح نموده است، لذا تنها جاهل به اصل حکم نباید مطلقاً نماز را قضا نماید.

اما جاهل به خصوصیات با این فرض که عالم به اصل حکم است، تحت عنوان عالم به حکم قرار می‌گیرد در نتیجه باید بگوئیم جاهل به خصوصیات و موضوع نیز باید مطلقاً اعاده نماید.

انصراف روایت زراره از مورد نسیان

احتمال دیگر در روایت زراره این است که بگوئیم آیه تقصیر شامل نسیان و عدم نسیان می‌شود. به نظر ما این بیان تام نبوده و روایت زراره از ناسی انصراف داشته و حتی بالاطلاق متعرض آن نیست چرا که ناسی از لحاظ عرفی تحت عنوان عالم قرار نمی‌گیرد لذا در بسیاری از موارد در فقه ناسی ملحق به جاهل می‌شود.

به بیان دیگر هر چند در برخی موارد ناسی ملحق به عالم شده است و یا شاید در لغت ناسی تحت عنوان عالم قرار بگیرد لذا شاید بگوئیم فقره اول صحیح زراره اعم ناسی و غیر ناسی است، اما عنوان ناسی در عرف همان جاهل است یعنی شخصی که نمی‌داندسته و به خاطر نداشته است؛ در نتیجه می‌توان گفت روایت زراره تنها ناظر به مسئله علم و جهل است و مقصود از جاهل به قرینه آیه جاهل به اصل حکم است.

پس طبق این بیان عالم به حکم یا عالم عامد، جاهل به خصوصیات و جاهل به موضوع باقی می‌مانند که این سه گروه مطلقاً چه در داخل و چه خارج از وقت باید اعاده نمایند.

صورت نسیان نیز توسط روایت ابو بصیر و روایت عیص بن القاسم به قرینه روایت ابو بصیر بیان می‌شود چرا که جواب در هر دو یکسان است و وحدت جواب چنین اقتضائی دارد.

کلام مرحوم بروجردی(ره)

مرحوم بروجردی (ره) در این مسئله در دو مقام بحث را بیان نموده‌اند:

مقام اول: انصراف: اگر از راه انصراف وارد شده و بگوئیم برخی روایات انصراف به معنائی خاص دارند، تقریباً همان نتیجه‌ای که ما گرفتیم بدست می‌آید با این تفاوت که ایشان در مورد عالم عامد می‌فرماید: این فرض از صحیح زراره یا صحیح عیص بن القاسم خارج بوده و ذیل صحیح حلبی باقی می‌ماند چرا که از عالم مؤمن بعید است نماز خود را در سفر عمداً تمام بخواند.

در این بحث مرحوم خوئی (ره) نیز بیانی داشتند که به نظر ما تام نبود چرا که برای شخصی مانند حلبی نیز امکان نسیان وجود دارد. ضمن این‌که هر چند جواب در کلام ائمه (علیهم‌السلام) و خصوصاً روایت محل بحث از قبیل قضیه حقیقه است اما بسیار کم اتفاق می‌افتد که بگوئیم سوال سائل از قبیل قضیه حقیقه باشد و لذا اکثر سوالات قضایای خارجی می‌باشند.

مرحوم بروجردی (ره) در ادامه و در رابطه با روایت عیص می‌فرماید: هر چند مرحوم شیخ انصاری(ره) ادعای انصراف روایت به مورد نسیان را نموده‌است اما اگر آنرا بپذیریم ولی در نهایت به جهت ترک استفصال باید آنرا حمل بر عموم نمائیم. ایشان در ادامه می‌فرماید: البته بعید نیست که روایت مذکور از عالم عامد انصراف داشته باشد.

پس به نظر ایشان از روایت حلبی و أعمش –به نظر ما نیازی به ذکر این روایت نبود– وجوب اعاده به صورت مطلق استفاده می‌شود. روایت عیص نیز انصراف به ناسی در موضوع دارد و به هیچ وجه شامل عالم عامد نیست چرا که نسیان در حکم بسیار نادر است و لذا اگر امر دائر بین نسیان در حکم و موضوع خارجی باشد، نسیان در موضوع غلبه دارد. در نتیجه این روایت معارض با روایت زراره نیست چرا که عالم عامد توسط فقره اول روایت زراره بیان شده‌است.

به نظر ما بهترین قرینه برای حمل روایت عیص بر نسیان، روایت ابو بصیر است لذا اگر روایت ابو بصیر مربوط به خصوص ناسی در موضوع بود روایت عیص را نیز باید حمل بر آن نمود و همچنین اگر گفتیم روایت ابو بصیر اعم از ناسی در موضوع و حکم است روایت عیص نیز باید بر آن حمل شود.

نتیجه‌ای که مرحوم بروجردی (ره) در فرض انصراف می‌گیرند این است که عالم عامد، جاهل به خصوصیات، جاهل به موضوع و ناسی اصل حکم، تحت عنوان عالم که در فقره اول روایت زراره ذکر شده‌است قرار می‌گیرند لذا باید مطلقاً اعاده نماید. اما جاهل به حکم که تحت فقره دوم روایت زراره قرار می‌گیرد مطلقاً نیاز به اعاده ندارد. در مورد ناسی موضوع که تحت روایت عیص قرار می‌گیرد نیز قائل به تفصیل میان وقت و خارج وقت شده‌اند.

بررسی مقام دوم

مقام دوم: صرف نظر از انصراف: شاید کسی بگوید انصراف‌های ادعا شده وجهی ندارند و باید ضوابط اولیه و اصالة الاطلاق

در روایت در نظر گرفته شود—در حالی که به نظر ما انصراف مطلب مهمی بوده و قرینیت روشنی دارد— یعنی روایت عیص بن القاسم مانند روایت زراره شامل تمام فروض محل بحث یعنی عالم عامد، جاهل به خصوصیات، جاهل به موضوع و ناسی در حکم و موضوع می‌شود، لذا انصراف به خصوص ناسی در موضوع ندارد.

طبق فرض مذکور یعنی انکار و انسداد انصراف تکلیف روایت حلبی روشن است چرا که این روایت اطلاق وسیعی داشته و شامل تمامی موارد مذکور شده و اعاده را لازم می‌داند. از آن‌جا که متیقن از روایت ابو بصیر ناسی در موضوع می‌باشد، تکلیف آن نیز تقریباً روشن است.

اما روایت زراره و عیص دو تعارض با هم دارند: الف— روایت زراره در فقره اول اطلاق داشته و می‌گوید: اگر شخصی عالم به حکم شد مطلقاً باید اعاده نماید چه به عمد باشد، چه جهل به خصوصیات یا حکم داشته باشد و یا ناسی باشد، چه در خارج و چه داخل وقت باشد. اما مفاد صحیح عیص تفصیل به صورت مطلق است یعنی عالم عامد، جاهل به خصوصیات و جاهل به موضوع باید در وقت اعاده نمایند اما در خارج قضا لازم نیست.

ب— روایت زراره در فقره دوم می‌گوید: جاهل به حکم مطلقاً نباید اعاده کند. در مقابل روایت عیص می‌گوید: جاهل به حکم در وقت اعاده کند اما در خارج وقت لازم نیست.

احتمالات موجود در مقام دوم

مرحوم بروجردی (ره) در ادامه چهار احتمال را ذکر نموده و تنها یک احتمال را می‌پذیرند:

احتمال اول: به اطلاق هر دو فقره روایت زراره تمسک نموده و می‌گوئیم: اگر کسی عالم شد چه عامد، چه جاهل به خصوصیات و چه جاهل به موضوع و چه ناسی باید مطلقاً اعاده نماید و اگر کسی جاهل به اصل حکم بود مطلقاً اعاده لازم نیست. اشکال احتمال مذکور طرح روایت عیص است.

احتمال دوم: به اطلاق روایت عیص تمسک نموده و بگوئیم: اگر کسی عالماً و عامداً، جاهل به حکم، جاهل به خصوصیات، جاهل به موضوع، ناسی به حکم و یا ناسی به موضوع بود در وقت باید اعاده نماید اما در خارج وقت اعاده لازم نیست.

اشکال این احتمال از کار افتادن روایت زراره است. به بیان دیگر حداقل چیزی که از روایت زراره فهمیده می‌شود این است که میان علم و جهل تفاوت وجود دارد. حال آن‌که اگر به اطلاق روایت عیص عمل نمائیم لازم است میان عالم و جاهل تفاوتی وجود نداشته باشد.

احتمال سوم: با اطلاق روایت عیص تنها فقره دوم روایت زراره تقیید زده و اطلاق فقره اول را به حال خود رها نموده و بگوئیم هر چند عالم چه عامد، چه جاهل به خصوصیات چه جاهل به موضوع چه ناسی نیاز به اعاده دارد اما جاهل به اصل حکم را تقیید زده و می‌گوئیم جاهل به حکم هم باید در وقت اعاده نماید اما در خارج وقت اعاده لازم نیست؛ کما این‌که مرحوم اسکافی (ره) و برخی چنین نظری داشتند.

اشکال احتمال مذکور مخالفت با فتوی مشهور فقهاء است چرا که مشهور بلکه اجماع می‌گویند جاهل به حکم نیاز به اعاده ندارد.

احتمال چهارم: اطلاق فقره دوم را حفظ نموده و بگوئیم جاهل به حکم در وقت و خارج وقت نیاز به إعاده ندارد، اما اطلاق فقره اول را تقييد زده و بگوئیم هر چند فقره اول می‌گوید جاهل به خصوصیات، جاهل به موضوع و ناسی حکم و موضوع باید مطلقاً إعاده نمایند اما به قرینه روایت عیص بگوئیم این‌ها باید در وقت إعاده نمایند اما در خارج وقت إعاده لازم نیست. اما در مورد عالم عامد چون اجماع مسلم بر إعاده مطلقاً وجود دارد لذا از ذیل روایت زرارہ خارج می‌شود.

به نظر مرحوم بروجردي (ره) احتمال مذکور تعین دارد به این جهت که اولاً محذورات احتمالات گذشته در این احتمال وجود ندارد. ثانیاً با احتمال مذکور دو ظهور حفظ شده‌است:

الف- ظهور روایت زرارہ در این است که جهل، عذر مستقل و سبب تام برای معذوریت است؛ یعنی اگر آیه تقصیر برای کسی خوانده نشد این شخص محذور دارد.

ب- روایت عیص می‌گوید: مضي وقت، عذر مستقل و سبب تام برای عدم إعاده است. اما اگر فقره اول روایت زرارہ را با روایت عیص تقييد زنیم باید بگوئیم جهل و مضي وقت مجموعاً علت برای عدم إعاده است در حالی‌که این نتیجه خلاف ظاهر دو روایت است چرا که ظاهر دو روایت دلالت بر استقلال و علت تامه بودن هر کدام از علل برای عدم إعاده دارد.

نتیجه کلام ایشان در مقام دوم این است که عالم عامد باید مطلقاً إعاده نماید. جاهل به اصل حکم مطلقاً إعاده ندارد. اما جاهل به خصوصیات، جاهل به موضوع، نسیان حکم و موضوع اگر در وقت کشف خلاف باید إعاده نماید اما اگر انکشاف خارج وقت بود قضا لازم نیست.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ